

فرهنگ اسلامی

# درس پارسایی

نوشته:

محمد علی سادات

فرهنگ اسلامی

## فهرست

| صفحه | عنوان                                  |
|------|----------------------------------------|
| ۷    | با خواننده.....                        |
| ۹    | پیشگفتار.....                          |
| ۱۳   | تقوا.....                              |
| ۱۴   | مراتب تقوا.....                        |
| ۱۹   | پرهیز از شبهات.....                    |
| ۲۰   | حقیقت تقوا.....                        |
| ۲۴   | پاسداری از تقوا.....                   |
| ۲۸   | ترس از خدا.....                        |
| ۳۰   | تقوا، تنها معیار ارزش.....             |
| ۳۲   | کمترین و بیشترین تقوا.....             |
| ۳۵   | تقوا و معرفت.....                      |
| ۳۷   | اهمیت تقوا از دیدگاه امام علی (ع)..... |
| ۳۹   | لباس تقوا.....                         |
| ۴۱   | آثار تقوا.....                         |
| ۴۳   | ۱. روشن بینی.....                      |
| ۴۶   | ۲. رهایی از تنگناها.....               |
| ۴۸   | صفات و ویژگی‌های پرهیزگاران.....       |
| ۴۹   | ۱. اخلاق الهی پارسایان.....            |
| ۵۲   | ۲. اخلاق فردی پارسایان.....            |
| ۵۵   | ۳. اخلاق اجتماعی پارسایان.....         |
| ۶۳   | نابارسایان.....                        |
| ۶۵   | خطبه همام.....                         |

با خواننده:

واژه «تقوی» واژه‌ای است که در کتاب خدا «قرآن مجید» و سنت پیامبر (ص) و ائمه اطهار(ع) بارها به آن تأکید شده است.

سال‌ها پیش که سخنرانی «استاد شهید مرتضی مطهری» را شنیدم، دریافتم که باید پرده و حجاب از بسیاری واژه‌ها برافکنیم و به معنای مقدس آنها پی ببریم.

بسیار واژه‌های اسلامی را بر زبان می‌رانیم و بر کاغذ می‌نگاریم، اما از مفهوم و معنای ژرف آن ناآگاهیم.

«تقوی» نیز در گذشت زمان چنین سرنوشتی یافته است، گاه متقین را کسانی انگاشته‌ایم که کار دنیا را رها کرده و در گوشه‌ای ذکر خدا را می‌گویند و یاد خدا را در دل و زبان زنده نگه می‌دارند، از زندگی گریزانند و خدمت به مردم را رها کرده‌اند و تنها می‌کوشند که گلیم خویش از آب به در برند.

آن‌چنان‌که در این کتاب آمده است، «تقوی» عزلت و کناره‌گیری نیست. به عزلت خزیدن و تنها به فکر خود بودن نیست، رفتن به صحنه پرخروش زندگی و پاکدامن بیرون آمدن است. سلامت در کناره رفتن نیست، به میان

دریا رفتن و پاک و پرهیزگار ماندن شرط تقوی است.

باری، سال‌ها پیش این پژوهش فراهم آمده بود و یاران شورای تولید «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» از نویسنده گرامی جناب آقای «محمدعلی سادات» خواستند که این بحث را گسترده‌تر سازند. این مهم انجام شد و به کوشش ایشان این دفتر فراهم آمد.

اکنون خرسندم که این کوشش برای معرفی و بازخوانی واژه‌های اسلامی به مبارکی آغاز شده است.

امیدوارم این کار ادامه یابد و این راه را رهروانی دیگر ادامه دهند و به توفیق الهی پرده از معانی مقدس واژه‌های اسلامی گشوده شود.

در آغاز راهیم و حکایت همچنان باقی است...

غلامرضا امامی  
۲۰ مردادماه ۱۳۹۲

## پیشگفتار

بی‌شک یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی که در تمامی ادیان به ویژه در اسلام مورد توجه و تأکید قرار گرفته، مفهوم «تقوا» است. در قرآن کریم بیش از ۲۵۰ بار واژه تقوا و مشتقاتش به کار رفته و در بیش از ۸۰ بار امر به مراعات تقوا شده و آثار فردی و اجتماعی بسیاری برای آن معرفی شده است. بر این اساس، جامعه‌ای دینی‌تر و به مقاصد شریعت نزدیک‌تر است که رایحه تقوا از در و دیوار آن به مشام برسد و روح پارسایی و خداترسی در کالبد زندگی فرد و اجتماع دمیده شده باشد. اما با دردمندی باید گفت این کیمیای سعادت در جوامع بشری، حتی در جوامعی که داعیه دینداری دارند، بسیار کمیاب بلکه چون کبریت احمر است. مدعیان آن بسیار و دارندگان آن اندک‌اند. تجربه انقلاب اسلامی نیز نشان داد که جز در سایه پرهیزگاری و پارسایی نمی‌توان به آرمان‌های بزرگ دینی دست یافت و به ساختن جامعه‌ای اسلامی و الهی توفیق حاصل کرد. اگر تقوا نباشد ادعاها همه پوچ و بی‌اساس و شعارها همه فریب و نیرنگ است. آرمان دینی تنها در بستری از پرهیزگاری و پاکی می‌بالد و می‌شکفتد. البته بین تقوای حقیقی و تقوای سطحی و ظاهری تفاوت زیاد است. اولی چون میوه‌ای است که بر درخت ایمان می‌روید، و

دومی چون کفی است که بر روی آب می‌نشیند. اولی از عمق وجود آدمی سر برمی‌کشد و سرتاسر سرزمین هستی انسان را فرا می‌گیرد، دومی پدیده‌ای سطحی و قشری است که جز ظواهر رفتار آدمی را دربر نمی‌گیرد. اولی بر خضوع و افتادگی آدمی می‌افزاید و خشوع قلبی می‌آفریند، دومی منیت و غرور تقدس به ارمغان می‌آورد که از هر بی‌تقوایی دیگر بدتر و مذموم‌تر است. گرچه مراعات ظواهر نیز داخل در مفهوم تقواست و نمی‌توان آن را نادیده گرفت چراکه همراهی و هماهنگی ظاهر و باطن امری لازم و ضروری است، اما به‌طور قطع در آن خلاصه نمی‌شود. تنها آراستن ظاهر و رعایت پاره‌ای آداب و فراهم آوردن ظاهری دینی و امثال آن به معنای پارسا بودن نیست. با منیت‌ها و خودخواهی‌ها درافتادن و قدم بر روی نفس سرکش گذاشتن و در پیکار درون، خصم باطن را مغلوب خود ساختن و آب خویش‌داری بر آتش شهوات و امیال حیوانی پاشیدن و ... لازمه دستیابی به تقوایی است که قرآن کریم آن را بهترین زاد و توشه‌ای می‌داند که موجب نجات و رستگاری آدمی است:

وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى (بقره، ۱۹۷)

و توشه بگیرید (و بدانید) که بهترین توشه تقواست.

اما تحصیل چنین تقوای حقیقی بی‌تردید کاری سهل و آسان نیست بلکه امری سترگ است و هرکس به اندازه‌ای که در توان دارد، مأمور به تحصیل آن است. مربیانی شایسته و کارآزموده و راهنمایانی دلسوز و پاک‌نهاد لازم است تا پرتو چنان فضیلتی را در دل‌های آدمیان بپراکنند و قلوب مستعده را به روشنایی آن روشن سازند. این مهم از تعلیم و تربیت‌های سطحی و بی‌اثر

که در آن چه بسا مربی محتاج‌تر از مربی به اصلاح خویش است، بر نمی‌آید و آبی از این آتش گرم نمی‌شود. در انتظار گشایشی از سوی این اقدامات به اصطلاح تربیتی نشستن و امید به تعلیم و تربیت‌های رسمی بستن، جز تلف کردن عمر و دل به امری ناممکن سپردن چیز دیگری نیست همچنان که تا به امروز نیز کسی میوه‌ای از این درخت نچیده و حاصلی از این شوره‌زار برنگرفته است!

آنان که به حقیقت «درس پارسایی» به مردم داده‌اند، کسانی بوده‌اند که قبل از همه خود قبای زیبای تقوا را بر تن کرده و الگویی زنده و پویا از پارسایی و پرهیزگاری ارائه کرده‌اند. آنان گام اول را بر دل خویش نهاده و پیروزمندان عرصهٔ پیکار با نفس سرکش بوده‌اند. دیگران را خطاب قرار دادن و خود را به فراموشی سپردن شیوهٔ این رادمردان نبوده است. آن‌ها عملاً نشان داده‌اند هر درسی که می‌دهند و هر دعوتی که می‌کنند به ناکجا آباد نیست، درختی است که در عمل باروبر داده است.

در رأس این مردان بزرگ، شخصیت‌های آسمانی قرار دارند که الگوی حقیقی تقوا را در قالب زندگی و اعمال و رفتار خود به همهٔ جویندگان ارائه کرده‌اند. در این میان، کسی که رفتار و گفتارش بر تارک تاریخ می‌درخشد و زندگی عملی‌اش به گونه‌ای حیرت‌انگیز ترجمان تقوا و «درس پارسایی» است، امام علی بن ابی‌طالب (ع) است. کسانی که با زندگی او آشنایی دارند، می‌دانند که او به‌طور قطع بزرگ‌ترین معلم پارسایی در جهان ما و بزرگ‌ترین قهرمان این میدان است. مروری بر تاریخچهٔ زندگانی او و آثار برجای مانده از او نشان می‌دهد که او مجسمهٔ تقوا و پارسایی بود و عظمت روحی حاصل

از تقوای بی‌نظیر در تمامی گفتار و کردار او موج می‌زد. نه یک یا چند عرصه از شخصیت او، که تمامی عرصه‌های وجودی او حکایت از تقوایی بی‌بدیل دارد که مورد اعتراف هر دوست و دشمنی است. ما در این دفتر کوشیده‌ایم دامن از گل‌های زیبا، از خرمن شخصیت او، تا آن‌جا که توانسته‌ایم و تا آن‌جا که مجال محدود این نوشته اجازه می‌داد، برچینیم اما هرگز این داعیه را نداشته‌ایم که توان شناخت آن مردِ مردان را، آنچنان که هست و آنچنان که باید، داریم چراکه این مهم در توان امثال صاحب این قلم نیست، اما گفته‌اند مَالَمْ يَدْرِكْ كُلَّهُ لَمْ يُتْرَكْ كُلُّهُ اگرچه همه را نتوان به وصف کشید، بالمره نمی‌توان از آن چشم پوشید.

آب دریا را اگر نتوان کشید      هم به قدر تشنگی باید چشید  
این دفتر قبلاً به درخواست «دانشنامه امام علی (ع)» فراهم آمد و در اختیار آن دانشنامه وزین قرار گرفت و در جلد چهارم آن به چاپ رسید. اینک برای تعمیم فایده، پس از ویرایشی مجدد و افزودن مطالب جدید بر آن به صورت مستقل به چاپ می‌رسد. نگارنده بر آن بود که بیش از این به تکمیل و تفصیل آن همت بگمارد ولی اشتغالات دیگر اجازه آن را نداد. در هر حال، امید آن‌که همگی با چنگ‌زدن بر دامن آن امام همام بتوانیم گام‌هایی استوار در صراط مستقیم ایمان و تقوا برداریم.

مؤلف

خرداد ۱۳۹۲